

مقدمه

بی شک شیخ بهایی متوفای ۱۰۳۰ق، کتابی به نام المخلاة نوشته است و خود وی نیز چندین بار به این کتاب ارجاع داده است.

شیخ بهایی در مقدمه کَشکول، هدف از تألیف، و تصریح به فراغت از تألیف مخلاة و محتوای این کتاب را به تفصیل توضیح می دهد:

«... و بعد، فائى لَمَّا فرغت من تألیف کتابی المسمی بالمخلاة الذى حوى من كل شىء أحسنه وأحلاه، وهو كتاب كتب فى عنفوان الشباب، قد لَفَّقته ونَسَقته وأنفقت فيه ما رَزَقته، وضمَّنته ما تشتهى الأنفُس وتلذُّ الأعین من جواهر التفسیر وزواهر التأویل، وعیون الأخبار ومحاسن الآثار، بدائع حکم يستضاء بنورها، وجوامع کلم يهتدى بیدورها، ونفحات قدسية تعطر مشام الأرواح، وواردات إنسية تُحیی رمیم الأشباح، وأبیات رانقة تشرب فى الكؤوس لسلاستها، وحکایات شانقة تمزج بالنفوس لنفاستها، ونفائس عرائس تشاكل الدر المنثور، وعقائل مسائل تستحق أن تكتب بالنور على وجنات الحور، ومباحثات سديدة سنج للخاطر الفاتر حال فراغ البال، ومناقشات عديدة سمح بها الطبع القاصر أيام الاشتغال، مع ترتيب أنيق لم أسبق إليه، وتهذيب رشيق لم أراحم عليه.^۲»

در ادامه علت تألیف کَشکول را توضیح می دهد:

«ثم عثرت بعد ذلك على نوادر تتحرك لها الطباع، وتهش لها الأسماع، وطرائف تسر المحزون، وتزرى بالدر المخزون، ولطائف أصفى من رائق الشراب، وأبهى من أيام الشباب، وأشعار أعذب من الماء الزلال و... فاستخرت الله تعالى، ولَفَّقْتُ كتابا ثانيا يحذو حذو ذلك الكتاب الفاخر، ويستبين به صدق المثل السائر (كم ترك الأول للأخر)، ولمَّا لم يتسع المجال لترتيبه، ولا وجدت من الأيام فرصة لتبويبه... سمَّيته بالكشكول ليطابق اسمه اسم أخيه، ولم أذكر شيئا مما ذكرته فيه، وتركت بعض صفحاته على بياضها...^۲»

بنابراین کتاب مخلاة شیخ بهایی مثل کَشکول بهایی اوست، واز تمام علوم، بهترین و تازه ترین را در بردارد؛ حتی در نامگذاری هم تصریح می کند: کَشکول را کَشکول نامیدم تا همنام مخلاة باشد:

۱. در لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۵۱، چنین معنا شده است: «مخلاة: عربی، اسم: تزه دان و علف دان و توبره، توبره که دانه پر کرده به دهان اسب بندند، ج مخالی». در فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۹۴۷: «مخالات: ۱. توبره که با دانه پر کرده به دهان اسب بندند، علف دان؛ ۲. چننه. در دایرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۲۲۵ ذیل کلمه کَشکول نیز می خوانیم: «... وی در جوانی کتابی به همین گونه به نام مخلاة تألیف کرده بود، ولی بعدها که پخته تر شد، کَشکول را فراهم آورد و در آن از تکرار مطالبی که در مخلاة آمده، پرهیز کرد».

۲. شیخ بهایی؛ کَشکول؛ تصحیح معلم، ج ۱، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۵۳ - ۵۴.

نقد و بررسی کتاب

بررسی مخلاة شیخ بهاء الدین عاملی

علی اکبر زمانه نژاد

چکیده: کتاب المخلاة در تمام آثار شرح حال نگاری و کتابشناسی، جزء آثار شیخ بهاء الدین عاملی معرفی شده است. نویسنده در مقاله حاضر در پی بیان این مسئله است که کتاب المخلاة چاپ شده در مصر، تألیف شیخ بهایی نیست. در راستای این هدف، نویسنده ابتدا به معرفی چاپ های المخلاة می پردازد. سپس با بیان نسخه های خطی آن، نتیجه می گیرد، کتاب المخلاة چاپ مصر، اثر شیخ بهایی نیست. در نهایت، المخلاة سید علی خان مدنی را مورد بررسی قرار می دهد.

واژگان کلیدی: المخلاة، شیخ بهاء الدین عاملی، معرفی کتاب.

شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه (ج ۲، صص ۲۳۲ و ۲۳۴) به معرفی تفصیلی المخلاة پرداخته است:

«المخلاة للشيخ البهائي محمد بن الشيخ عزالدین الحسين بن عبد الصمد الحارثي المتوفى ۱۰۳۰، كتاب جليل نفيس عزيز النسخة، جمع فيه من كل شيء أحسنه، من اللطائف والطرائف والأخبار والأشعار والمواعظ والأخلاق، وهو غير هذا الموسوم بالمخلاة والمطبوع بمصر في ۱۳۱۷ والمنسوب إلى الشيخ البهائي جزوا. فقد رأى نسخة من المخلاة البهائية شيخنا العلامة النوري، ونسخة أخرى من المخلاة رآها الشيخ عبد النبي النوري، وسمعت بعض الفضلاء الثقات من أحفاد الأمير عبد الصمد التستري أنه موجود في خزائنهم وعن الأنظار مستور. ثم حدثني صديقي السيد أحمد الشهير بالسيد آقا التستري أنه رآه عندهم ونقل عنه أشياء، منها تفصيل دعاء عبد الله بن استنطال الصحابي، وقال السيد آقا إنه قد وقع هذا الكتاب عند الأمير عبد الصمد بعدما كان عند السيد عبد الله الطيب ابن السيد حسين بن العلامة الأجل المير السيد علي التستري مراد الشيخ العلامة الأنصاري ووصيه.

گفتنی است در گذشته نسخه های خطی مخلاة شیخ بهایی در بعضی از کتابخانه ها نیز موجود بوده است.

این مقاله در صدد تکرار توضیحات کتاب های دیگر درباره مخلاة شیخ بهایی و چاپ شدنش در مصر نیست؛ چه اینکه این کتاب حاضر حداقل صد سال قبل از تولد شیخ بهایی، یعنی سال ۸۵۳ هجری کتابت شده است؛ چرا که به همراه رساله أسرار البلاغة (منسوب به شیخ بهایی) در یک مجموعه خطی در کتابخانه آزهریه مصر موجود است. ناشر المخلاة و أسرار البلاغة نیز در سال ۱۳۱۷ ق (المکتبة المیمینة ومکتبة الآداب) هردو کتاب را به نام شیخ بهایی به چاپ رسانده است و توجه نداشته است در دو جای کتاب أسرار البلاغة، تاریخ ۸۵۳ هجری به ثبت رسیده است:

الف) «تمت الوصية المباركة بمكة المشرفة يوم الثلاثاء، ضحى رابع صفر الأعز سنة اثنتين وخمسين وثمانمائة [۸۵۳ ق].»^۶

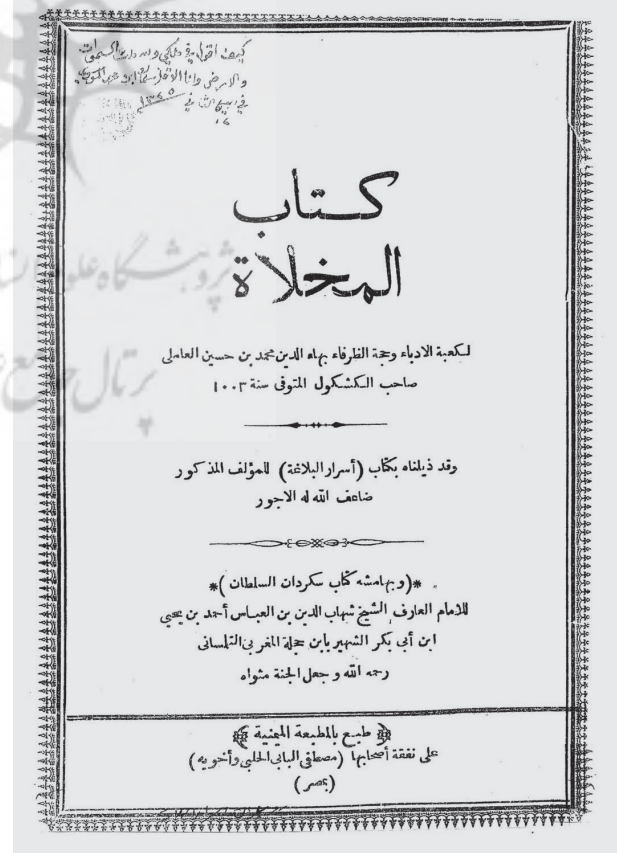
ب) «تمت الكلمات بحمد الله وعونه بمكة المشرفة سادس صفر سنة ثمانمائة وثلاثة وخمسين [۸۵۳ ق] من الهجرة النبوية، على صاحبها أفضل الصلاة وأزكى التسليمات، أمين. تم كتاب أسرار البلاغة.»^۷

این دو تاریخ (۸۵۳ ق) بهترین دلیل بر این مدعا است که این دو کتاب، خصوصاً أسرار البلاغة از شیخ بهایی نیست و ناشر مصری توجهی به این تاریخ ها نداشته است.

«سميته بالكشكول ليطابق اسمه اسم أخيه»، و مقید بوده هر آنچه در مخلاة ذکر است، دیگر در كشكول تکرار نشود.

شیخ بهایی به این وعده عمل کرده، در مواردی به سبب تکرار نشدن مطالب كشكول با مخلاة، در كشكول یکی دو سطر عبارت را آورده، تفصیلش را به مخلاة ارجاع داده است: «ومن كلام بعض الحكماء، ارقص لقرء السوء فى زمانه، ولهذا الكلام قصّة مشهورة أوردتها فى المخلاة.»^۴ و نیز: «... لَمَا كانت هذه القصائد فى المخلاة، اقتصرت على هذا القدر فى الكشكول.»^۵

بعد از شیخ بهایی و بعضاً به استناد مقدمه كشكول شیخ بهایی، کتاب المخلاة جزء آثار وی در تمام آثار شرح حال نگاری و کتاب شناسی معرفی شده است؛ مثل: سلافة العصر، ص ۲۸۹-۳۰۲؛ رياض العلماء، ج ۵، ص ۸۸-۹۹؛ روضات الجنات، ج ۷، ص ۵۶-۸۴؛ لؤلؤة البحرين، ص ۱۶-۲۸؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۳۵؛ الكنى والألقاب، ص ۱۰۵-۱۰۰؛ أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۲۳۴-۲۴۹؛ خلاصة الأثر فى أعيان القرن الحادى عشر؛ ج ۳، ص ۴۲۶ و... ده ها منبع دیگر. با این همه، در منابع متأخر هیچ کدام به بررسی مخلاة نپرداخته است و نهایت چیزی که نوشته اند، به چاپ رسیدن المخلاة در مصر است.



۶. المخلاة (أسرار البلاغة)، ص ۳۴۳، چاپ ۱۳۷۷ ق.
۷. المخلاة (أسرار البلاغة)، ص ۳۴۶، چاپ ۱۳۷۷ ق.

۴. همان، ج ۲، ص ۷۳۴.
۵. همان، ج ۳، ص ۱۲۷.

در مقایسه با کشکول، اثری خشک و بی روح است [ص ۲۱] و یا اینکه المخلاة نشان می‌دهد که شیخ بهایی شیعی معتدلی بوده، یا به وحدت اسلامی اعتقاد داشته است [ص ۳۴]، بکلی نارواست.

... بازورث از جهت اینکه نخستین رساله مفرد را به زبان انگلیسی درباره شیخ بهایی نوشته، شایسته قدردانی است. وی مقام بلند ادبی و پایگاه علمی شیخ و نیز اهمیت کشکول را در میان مجموعه‌هایی که پس از دوران کلاسیک و پیش از دوران جدید تألیف شده‌اند، نشان داده است. وی راهنمای ارزشمندی برای کشکول فراهم آورده و بی‌گمان محققان این حوزه، ارزش کار او را خواهند شناخت؛ اما در گزارشی که از زندگی و آثار شیخ می‌دهد، برخی از خطاهای محققان پیشین تکرار شده است. این امر نشان می‌دهد که موانع مهمی باید از پیش راه برداشته شود تا مقام شیخ بهایی در تاریخ سیاسی و فکری و ادبی به درستی شناخته گردد...».

با این مقدمه، ابتدا به معرفی چاپ‌های المخلاة و در ادامه به نسخه‌های خطی آن می‌پردازیم؛ سپس به این نتیجه می‌رسیم که: مؤلف المخلاة چاپ مصر چه کسی است. در پایان نیز المخلاة سید علی خان مدنی را بررسی می‌کنیم.

چاپ‌های مختلف مخلاة

۱. کتاب المخلاة برای اولین بار در سال ۱۳۱۷ ق در ۲۲۸ صفحه رحلی همراه با اسرار البلاغة (آن هم منسوب به شیخ بهایی) در ۲۲۸ + ۲۴ صفحه چاپ رحلی شد. روی جلد چنین نوشته شده است: «کتاب المخلاة، لکعبة الأدباء و حجة الظرفاء، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، صاحب کشکول، المتوفی سنة ۱۰۰۳ [صحیح آن ۱۰۳۰ است] و ذیلناه بکتاب أسرار البلاغة للمؤلف المذكور ضاعف الله له الأجور؛ وبهامشه کتاب سکردان السلطان للإمام العارف الشیخ شهاب الدین بن العباس أحمد بن یحیی ابن ابی بکر الشهیر بابن حجلة المغربی التلمسانی رحمه الله وجعل الجنة مثواه».

در پایین صفحه نیز عنوان ناشر آمده است: «طبع بالمطبعة المیمنیة علی نفقة أصحابها مصطفی البابی الحلبی وأخویه بمصر».

ناشر کتاب نیز در پایان کتاب اسرار البلاغة تصریح می‌کند: «... وذلک بالمطبعة المیمنیة بمصر المحروسة المحمیة بجوار سیدی أحمد الدردیر قریبا من الجامع الأزهر المنیر. وذلک فی أواخر الحجة الحرام من سنة ۱۳۱۷ هجرية علی صاحبها أفضل الصلاة وأتم التحية. آمین».

بنابر نوشته علامه سید محمد مهدی خراسان (حفظه الله)، المخلاة چاپ ۱۳۱۷ ق در لبنان به شیوة افسست تجدید چاپ شده است: «وأعيد طبع الكتاب [أسرار البلاغة] مرة أخرى سنة ۱۳۷۷ ق أيضا مع المخلاة منسوبيتين معا إليه. وأعادت طبعهما عن طبعة مصر الأولى

قابل توجه اینکه: غیر از ناشر، نویسندگان و شرح حال نویسان و خوانندگان المخلاة و اسرار البلاغة از سال ۱۳۱۷ ق تا کنون نیز به این تاریخ‌ها توجه نداشته‌اند و اکثر نویسندگان، کتاب المخلاة را بدون تحقیق به شیخ بهایی نسبت داده‌اند.

به سبب همین انتساب‌های ناروا، شرق شناسان نیز به اشتباه افتاده‌اند و از تمام کتاب‌هایی که در مصر، به نام شیخ بهایی به چاپ رسیده است، صوفی و عارف بودن شیخ بهایی را استنباط کرده‌اند. از آن جمله نویسنده بزرگی همچون بازورث که نخستین رساله انگلیسی درباره شیخ بهایی را به رشته تحریر در آورده، به اشتباه افتاده است، و استوارت نیز به اشتباهات بازورث پی برده، در مقاله‌ای تحت عنوان «شیخ بهایی و کشکول او» به زبان انگلیسی این اشتباهات را بررسی و یادآور شده است. آقای حسین معصومی همدانی نیز مقاله استوارت را در مجله نشر دانش (سال ۱۱، ش ۳، ص ۴۴-۴۷) ترجمه و معرفی کرده است. در اینجا قسمت‌هایی که در ارتباط با مخلاة است، آورده می‌شود:

«این نخستین رساله مفردی است که درباره بهاء الدین عاملی... به یک زبان اروپایی منتشر می‌شود. موضوع اصلی آن بحث درباره کشکول شیخ بهایی است... برخی از خطاهای فاحش این رساله به آثار دیگر شیخ بهایی مربوط می‌شود. بازورث در اصالت سه کتاب - که به خطا به شیخ نسبت داده شده - تردید نمی‌کند، این سه کتاب عبارت‌اند از: أسرار البلاغة، الرسالة فی الوحدة الوجودية، والمخلاة. پیش از این محققانی به عدم صحت انتساب این آثار به شیخ بهایی اشاره کرده‌اند، اما کمتر محققانی از این موضوع خبر دارند...؛ اما فاحش‌ترین خطای بازورث، پی نبردن به این نکته است که کتابی که به نام «المخلاة» منتشر شده و موضوع یک فصل کوتاه از رساله بازورث است (فصل دوم که «جنگ‌های ادبی بهاء الدین: المخلاة» نام دارد [ص ۲۰-۱۶])، از شیخ بهایی نیست. مسئله المخلاة، با آن دو کتاب دیگر فرق دارد؛ زیرا از زندگی نامه‌های قدیمی شیخ و نیز از گفته خود او در مقدمه کشکول پیداست که او کتابی به این نام داشته است؛ با این حال، آقا بزرگ تهرانی معتقد است که متن چاپ شده، اثر شیخ بهایی نیست، و می‌گوید: المخلاة واقعی، به صورت خطی در کتابخانه‌ای در عراق موجود است؛ هر چند صاحبانش آن را از چشم دیگران دور نگاه می‌دارند.^۸... المخلاة، آخرین بار در ۱۹۸۵ منتشر شد و به فارسی نیز ترجمه شده است.^۹

مؤلف متن چاپی بی شک، سنی بوده و از روی قرائن درونی می‌توان گفت که در قرن نهم، در عهد ممالیک، در مصر می‌زیسته است؛ بنابراین نظریاتی که بازورث اظهار می‌کند، از جمله اینکه المخلاة

۸. آقا بزرگ تهرانی؛ الذریعة؛ ج ۲، ص ۴۲ و ج ۲۰، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۹. المخلاة؛ تصحیح محمد خلیل باشا، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۸۵. نیز: المخلاة؛ ترجمه بهمن رازانی؛ تهران: زین، ۱۳۶۴.

[۱۳۱۷ق] دارالفکر اللبناية بطريقة الأوفسيت،^۱ ولم يتنبه أحد من ناشریه لذلك.^{۱۱}

البته در فهرست المكتبة الأزهرية (ج ۵، ص ۲۴۷) ضمن معرفی نسخه خطی کتاب المخلاة، دو چاپ از سال ۱۳۱۷ق را معرفی می‌کند: «نسخة كالمسابقة ضمن مجموعة طبع المطبعة الأدبية بالقاهرة سنة ۱۳۱۷ق، وبهامشها سكردان السلطان لابن أبي حجلة في ۲۹۳ صفحة ۲۸، سم. [۷۰۴] ۸۲۲۱».

در همان صفحه نیز چاپ دیگری را معرفی می‌کند: «نسخة كالمسابقة ضمن مجموعة في مجلد طبع المطبعة الميمنية بالقاهرة سنة ۱۳۱۷ق، وبهامشها بعض كتاب سكردان السلطان في ۲۲۸ صفحة، ۲۳ سم».

مشخصات داده شده در تعداد صفحات و اندازه کتاب با هم متفاوت است: مطبعة أدبية در ۲۹۳ صفحه و ۲۸ سانتی متری است، اما در مطبعة الميمنية ۲۲۸ صفحه و ۲۳ سانتی متری است.

همین دو چاپ نیز برای کتاب أسرار البلاغة تکرار شده است؛ یعنی هر دو چاپ ۱۳۱۷ق همراه با أسرار البلاغة و در هامش کتاب، کتاب سكردان السلطان به طبع رسیده است.^{۱۲}

۲. کتاب المخلاة با أسرار البلاغة و سكردان السلطان را همان ناشر (المطبعة الميمنية) در ۴۷۴ صفحه در قطع وزیری در سال ۱۳۷۷ق چاپ حروفی کرد. روی جلد کتاب چنین ثبت شده است: «المخلاة لبهاء الدين محمد بن حسين بن عبد الصمد بن عز الدين الحارثي الهمداني العاملي، المتوفى سنة ۵۱۰۳هـ، (صاحب الكشكول). و يليه: ۱. أسرار البلاغة لمؤلف المخلاة؛ ۲. سكردان السلطان، لابن أبي حجلة أحمد بن يحيى التلمساني. الطبعة الثانية: ۱۳۷۷هـ = ۱۹۵۷م. شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر».

در پایان کتاب، یعنی صفحه ۴۷۴ نیز نوشته شده است: «بحمد الله وحسن توفيقه تم طبع: ۱. كتاب المخلاة للعاملي؛ ۲. أسرار البلاغة للعاملي؛ ۳. سكردان السلطان لابن أبي حجلة التلمساني. مصححاً بمعرفة لجنة التصحيح بشركة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، القاهرة في ۱۹/ ربيع الثاني/ ۱۳۷۷ = ۱۱/ نوفمبر/ ۱۹۵۷م. مدير المطبعة، نورالدين مصطفى الحلبي».

۳. سپس در سال ۱۹۸۵ میلادی/ ۱۴۰۵ق توسط محمد خلیل الباشا

در ۷۴۷ صفحه در مطبعه عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع بيروت، چاپ شد. اگرچه متذکر نشده مبنای چاپ کدام چاپ است؟ ولیکن از چاپ ۱۳۱۷ق مصر و ۱۳۷۷ق مصر استفاده کرده است و اشتباهات روی جلد ۱۳۱۷ق مصر در این تصحیح دیده می‌شود؛ چرا که در چاپ ۱۳۱۷ق مصر شیخ بهایی را متوفای ۱۰۰۳ق ثبت کرده است، و بر روی صفحه عنوان این تصحیح نیز همان اشتباه ۱۰۰۳ق تکرار شده است: «المخلاة للعالم الكبير بهاء الدين محمد بن حسين العاملي صاحب الكشكول المتوفى سنة ۵۱۰۳هـ، نشقه وفهرسته ووضع هوامشه: محمد خليل الباشا، عالم الكتب». تاریخ صحیح وفات شیخ بهایی نیز سال ۱۰۳۰ق است.

در مقدمه کتاب شرح حال و آثار شیخ بهایی، به اختصار معرفی شده است. در معرفی المخلاة و أسرار البلاغة آمده است: «۱۱. المخلاة، طبعت أكثر من مرة في مصر وإيران... ۱۳. أسرار البلاغة، طبع مع المخلاة سنة ۱۳۱۷ق وأعيد طبعه سنة ۱۳۷۷هـ»^{۱۴}.

همان طور که ملاحظه شد، مصحح درباره المخلاة نوشته است: «طبعت أكثر من مرة في مصر وإيران»؛^{۱۵} حال آنکه کتاب المخلاة در ایران به چاپ نرسیده است.

مصحح و ناشر نیز چاپ‌های مختلف کتاب المخلاة را که در مصر به چاپ رسیده است، معرفی نکرده است تا: مشخص نشود اساس تصحیح کتاب المخلاة چه چاپی بوده است و یا به اشتباه تصور شود ایشان نسخه خطی کتاب مخلاة را تصحیح کرده است؛ همان گونه که مصحح در مقدمه المخلاة، ص ۸ می‌نویسد: «لقد وقعنا في النص على بعض الأخطاء، فما قدرنا أنه من الطباعة أو النسخ أصلحناه ولم نُشر إليه». حال آنکه در چند سطر بعد، دم خروس نمایان می‌شود؛ آنجایی که کتاب أسرار البلاغة منسوب به شیخ بهایی را معرفی می‌کند: «این رساله همراه با المخلاة به چاپ رسیده است: «أسرار البلاغة، طبع مع المخلاة سنة ۱۳۱۷ق وأعيد طبعه سنة ۱۳۷۷هـ».

پس می‌توان نتیجه گرفت: مخلاة چاپ بیروت با تصحیح محمد خلیل الباشا از روی نسخه چاپی مصر ۱۳۱۷ق و ۱۳۷۷ق بوده است؛ تا جایی که روی جلد کتاب به اشتباه، تاریخ وفات شیخ بهایی که ۱۰۰۳ق نوشته شده بود، به عین به چاپ بیروت تصحیح محمد خلیل الباشا راه پیدا کرده است.

نیز اینک: «المخلاة در ایران به چاپ رسیده است». این هم از اشتباهات است؛ لذا خانابا مشار در فهرست کتاب‌های چاپی

۱۴. المخلاة: تصحیح محمد خلیل الباشا؛ ص ۱۴.

۱۵. احتمالاً مصحح از فلاسفة الشيعة شيخ عبد الله نعمة گرفته است که: المخلاة در ایران به چاپ رسیده است: «المخلاة وهو مجموعة فيها فوائد كثيرة، وطبع في مصر وإيران» (شيخ عبد الله نعمة؛ فلاسفة الشيعة؛ ص ۴۶۲).

۱۰. اگر چاپ افست هم یک چاپ به حساب آید و در سال ۱۳۱۷ق هم دو چاپخانه در مصر این کتاب را به طبع رسانده باشند، چاپ‌های مخلاة به شش چاپ خواهد رسید.

۱۱. سيد محمد مهدي خراسان: مقدمات كتب تراثية؛ ج ۲، ص ۳۸۶، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵ ش.

۱۲. مرحوم سعيد نفيسي هم تصريح می‌کند: «المخلاة در مصر در سال ۱۳۱۷ق دو بار چاپ شده است» (احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، ص ۱۰۸).

۱۳. در کتاب معجم التاريخ التراث الإسلامي، ج ۴، ص ۲۷۱، چاپ دیگری را در همین سال، یعنی ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م در قاهره معرفی می‌کند!

کتاب المخلاة چاپ ۱۳۱۷ق در لبنان توسط دارالفکر اللبنانية به شیوه افست تجدید چاپ شده است.^{۱۹}

نسخه‌های خطی المخلاة

هیچ یک از منابع شرح حال نگاری و کتاب شناسی، مثل سلافة العصر، ریاض العلماء، روضات الجنات، لؤلؤة البحرين، رسائل کلباسی، خاتمة مستدرک الوسائل، أعيان الشيعة و... ضمن معرفی و نام بردن از کتاب مخلاة، نسخه دیگری از المخلاة معرفی نکرده‌اند. با تتبعی که در فهرس نسخ خطی ایران و خارج ایران انجام گرفت، نسخه‌ای خطی از المخلاة شیخ بهایی شناسایی نشد؛ اما شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه چندین نسخه را گزارش کرده است:

۱. نسخه‌ای که میرزای نوری آن را دیده است: «فقد رأی نسخة من المخلاة البهائية شيخنا العلامة النوري»^{۲۰}

۲. نسخه‌ای که شیخ عبدالنبی النوری آن را دیده است: «ونسخة أخرى من المخلاة رأها الشيخ عبد النبي النوري»^{۲۱}

۳. نسخه‌ای نزد احفاد امیر عبدالصمد شوشتری موجود بوده است: «وسمعت بعض الفضلاء الثقات من أحفاد الأمير عبدالصمد التستري

عربی، صفحه ۸۲۰ فقط چاپ مصر را معرفی می‌کند: «مخلاة، محمد بن الحسين الجبعي العاملي، شيخ بهایی، مصر، ۱۳۱۷ق، سربی، وزیری بزرگ، ۳۲۸ صفحه»^{۱۶} در هاشم آن أسرار البلاغة».

همچنین مشار در مؤلفین کتب چاپی (فارسی و عربی)، ج ۵، ص ۴۲۴، ضمن شمردن آثار شیخ بهایی می‌نویسد: «أسرار البلاغة، عربی، مخلاة، عربی، مصر ۱۳۱۷ق، سربی، رحلی، مطبعة الميمنية، ۲۲۸ صفحه»^{۱۷}.

گواینکه شیخ آقا بزرگ تهرانی و دیگر کتاب شناسان، از مخلاتی که در ایران به چاپ رسیده باشد، گزارشی به ثبت نرسانیده‌اند.

ناگفته نماند خان بابا مشار هم نوشته است: أسرار البلاغة در هاشم کتاب المخلاة در مصر به سال ۱۳۱۷ق به چاپ رسیده است که این هم از اشتباهات مشار است؛ چون کتاب أسرار البلاغة در آخر کتاب المخلاة، به چاپ رسیده است و کتاب سکردان السلطان در هاشم المخلاة به چاپ رسیده است.

۴. در سال ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷ م کتاب المخلاة برای بار چهارم در ۵۲۸ صفحه توسط منشورات دارالکتب العلمیة بیروت به کوشش محمد عبدالکریم النمری به چاپ رسید. روی جلد این چاپ المخلاة نوشته شده است: «المخلاة، تألیف الشيخ العالم بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، المتوفی سنة ۱۰۳۱ هـ. ضبطه و صححه ووضع حواشیه محمد عبد الکریم النمری، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان».

گفتنی است این چاپ به عینه از روی چاپ عالم الکتب حروف چینی شده است؛ حتی مقدمه و شرح حال شیخ بهایی هم از روی چاپ و تصحیح محمد خلیل الباشا گرفته شده است؛ حتی فهرس آخر کتاب هم از روی چاپ محمد خلیل الباشا است؛ در عین حال روی جلد نوشته شده است: «ضبطه و صححه ووضع حواشیه: محمد عبد الکریم النمری». بله تنها کاری که انجام شده به ثبت رسیدن تاریخ وفات شیخ بهایی در چاپ محمد خلیل الباشا به سال ۱۰۰۳ق است که در این چاپ روی جلد به سال ۱۰۳۱ق تغییر یافته است. تنها همین تفاوت در کل کتاب دیده می‌شود!

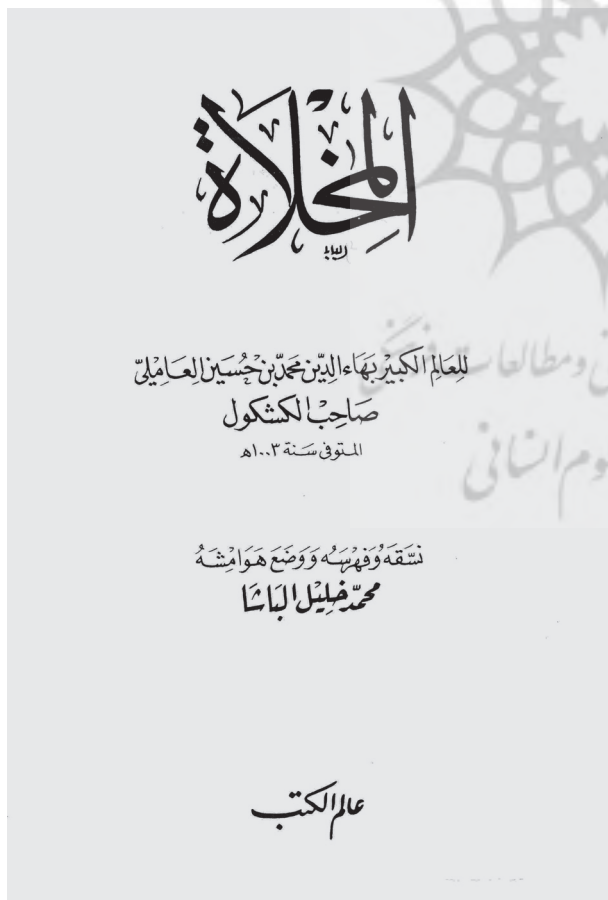
۵ و ۶. همان طور که گذشت در سال ۱۳۱۷ق به غیر از المطبعة الميمنية، ناشر دیگری به نام المطبعة الأدبية بالقاهرة، در سال ۱۳۱۷ق این کتاب را در ۲۹۳ صفحه به چاپ رسانده است.^{۱۸}

همچنین بنا بر نوشته علامه سید محمد مهدی خراسان (حفظه الله)

۱۶. مشار در فهرست کتاب‌های چاپی عربی، ص ۸۲۰، کتاب مخلاة را ۳۲۸ صفحه به ثبت رسانده که صحیح آن ۲۲۸ صفحه است.

۱۷. مشار در مؤلفین کتب چاپی، ج ۵، ص ۴۲۴، مخلاة را در ۳۲۸ صفحه به ثبت رسانده که صحیح آن ۲۲۸ صفحه است.

۱۸. رک به: فهرس المكتبة الأهلية؛ ج ۵، ص ۲۴۷.



۱۹. مقدمات کتب تراثية؛ ج ۲، ص ۳۸۶.

۲۰. آقابزرگ تهرانی؛ الذریعة؛ ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۲۱. همان.

مقاتل بن سلیمان بن داوود، نسخ مختلف السطر، تحریر شده ۱۲ق، گوشه تمام اوراق ریخته، کاغذ اصفهانی، با مهر حاج سید سعید، جلد مقوا...»^{۲۳}.

با بررسی نسخه المخلاة کتابخانه گوهرشاد معلوم شد این کَشکول، تألیف یکی از علمای بحرین است که در آن، از کَشکول شیخ یوسف بحرانی و کَشکول شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی، مطالبی گزارش شده است. مؤلف نیز خود را از شاگردان شیخ زین الدین احسانی (فرزند شیخ احمد احسانی) می‌داند. چندین تاریخ نیز از قرن سیزدهم در این کَشکول دیده می‌شود؛ مثلاً در بعضی از صفحات کتاب، تاریخ ۱۲۳۰ق دیده می‌شود؛ چه اینکه در صفحه ۱۹۲ می‌نویسد: «تمت بالیوم الثامن عشر من ذی الحجة سنة ۱۲۱۶ بقلم الفقیر الحقیر محمد بن شیخ صالح بن یوسف البحرانی، الحمد والمئة...»، که از این جملات استفاده می‌شود مؤلف از نوادگان شیخ یوسف البحرانی است.

با اوصافی که ذکر شد، روشن می‌گردد که این کتاب از تألیفات شیخ بهایی نیست؛ چه رسد که مخلاة شیخ بهایی باشد.

در نسخه کتابخانه مسجد گوهرشاد، مطالبی نیز از شیخ بهایی گزارش می‌شود. در بعضی صفحات نیز جملاتی دعایی از شیخ بهایی نقل شده که گویا در عهد وی زنده بوده است: «کتاب موسومة بذریعة النجاة والظفر فی مدح الإمام المنتظر لبهاء الملة والدين... آدم الله وأبقاه ووقفه... العاملی الجباعی الحارثی»؛ حال آنکه قطعاً تألیف این کتاب حداقل دو بیست سال بعد از وفات شیخ بهایی است! توجیه شده است که: مؤلف، این کلمات دعائی را از جایی بدون تصرف در جملات دعائی، نقل قول کرده است، نه اینکه این جملات دعائی برای مؤلف کَشکول باشد.

۵. نسخه‌های از کتاب المخلاة در لوح فشرده^{۲۴} خزانه التراث، این گونه معرفی شده است: «عنوان المخطوط: المخلاة، الفن: أدب؛ اسم المؤلف: محمد بن حسین بن عبد الصمد العاملی؛ اسم الشهرة: العاملی؛ وبهاء الدین العاملی؛ تاریخ الوفاة: ۱۰۳۱ق؛ قرن الوفاة: ۱۱ق؛ نسخه فی العالم: المكتبة الأزهرية؛ اسم الدولة: مصر؛ اسم المدينة: القاهرة، رقم الحفظ: [۲۳۷] أباطة ۶۸۴۲ الرقم التسلسلی: ۱۰۸۹۱».

در لوح فشرده خزانه التراث، یک نسخه خطی نیز از اسرار البلاغة با همان مشخصاتی که برای المخلاة ذکر شد، معرفی شده است، و فقط رقم تسلسلی اسرار البلاغة به شماره ۴۵۹۶۴ به ثبت رسیده است.

در فهرس المكتبة الأزهرية،^{۲۵} الجزء الخامس، صفحه ۲۴۷ - در

أنه موجود فی خزائنهم وعن الأنظار مستور، ثم حدثنی صدیقی السيد أحمد الشهير بالسید آقا التستری أنه رآه عندهم ونقل عنه أشياء...»^{۲۲}. همان طور که ملاحظه کردید، در الذریعه (ج ۲۰، ص ۲۳۲-۲۳۳) سه نسخه از المخلاة معرفی شده است، اما از محتوا و ابتدا و انتهای نسخه‌ها هیچ نشانه‌ای در دست نیست. در نسخه المخلاة کتابخانه امیر عبد الصمد شوشتری، تفصیل دعایی بدین شکل نقل شده است: «... ونقل عنه أشياء منها تفصیل دعاء عبد الله بن استنطال الصحابی...»، با بررسی‌ای که صورت گرفت، روشن شد که این جمله و این دعا و این شخص، یعنی عبد الله بن استنطال الصحابی، در المخلاة چاپ شده نیست.

۴. غیر از سه نسخه‌ای که در الذریعه گزارش آن را ملاحظه شد، نسخه‌ای دیگر در فهرس معرفی نشده است، اما نسخه‌ای از المخلاة در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد به شماره ۶۴۶ بدین نحو معرفی شده است: «مخلاة، جنگ و مجامیع، عربی. کتابی است بدون خطبه و خاتمه و به طور متن و چلیپا نگارش یافته و فصول و ابواب آن دست نداد. در پشت صفحه اول با قلم مغایر آمده است، مخلاة که باید از شیخ بهایی، متوفای ۱۰۳۰ق باشد. جنگ مانندی می‌باشد شامل ظرایف و لطایف و حکایات و ادعیه و طلسم‌ها و مسائل فقهی و ادبی و مواعظ و اخلاق. فصلی در میان دارد، فصل فی شرح خاتم

المخلاة

تألیف
الشیخ العالم بهاء الدین محمد بن حسین العاملی
المتوفى سنة ۱۰۳۱هـ

فیظیر و مسمو در وضع عروائیه
محمد عبد الکریم التری

مشورات
مجموعه بی بی بی
دارالکتب العلمیه
سمرقند - تاجیکستان

۲۳. فهرست نسخه‌های خطی گوهرشاد؛ ج ۲، ص ۷۵۷-۷۵۸.

۲۴. لوح فشرده خزانه التراث شامل عناوین مخطوطات کتابخانه‌های جهان است و مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامیة آن را تهیه و نشر ساخته است.

۲۵. الكتب الموجودة بالمكتبة الأزهرية إلى سنة ۱۳۶۸ق/ ۱۹۴۹ م.

رساندهاند! اما اینکه کتاب المخلاة و أسرار البلاغة از شیخ بهایی است یا خیر، در بخش دیگر مقاله به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

۷. در کتابخانه ملی تهران ۲ تا ۳ جلد نسخه خطی - که از سازمان مدارک فرهنگی به کتابخانه ملی منتقل شده است - موجود است که گفته شده نسخه های خطی کتاب المخلاة شیخ بهایی است. از آن جا که هنوز تمام فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی تهران چاپ نشده است، ناچار شدیم با مراجعه به سایت کتابخانه اطلاعاتی از آن نسخه ها کسب کنیم. در پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه ملی آمده است: «عنوان و نام پدیدآور: مخلات شیخ بهایی در طلسمات، نسخه خطی، شماره بازیابی ۱۶۲۲۸۵، شماره های شناسایی دیگر: شماره پیشین صورت جلسه سازمان مدارک ۷۱-۷۵۶۷۰، مشخصات ظاهری: ۴۲۵ برگ، یادداشت کلی: زبان فارسی، نحوه تهیه سند: انتقالی از سازمان مدارک فرهنگی».

همچنین در همین پایگاه، مجموعه دیگری در کنار المخلاة معرفی شده است که گفته می شود جلد دیگر مخلاة است، اما آن را با عنوان مجموعه ادعیه و طلسمات شناسانده اند: «عنوان و نام پدیدآور: مجموعه ادعیه و طلسمات شیخ بهایی، نسخه خطی، مشخصات ظاهری: ۳۷۸ برگ، زبان فارسی، نحوه تهیه سند: انتقالی از سازمان مدارک فرهنگی، شماره بازیابی: ۵ - ۱۶۲۲۹».

با بررسی دو یا سه نسخه خطی کتابخانه ملی می توان نتیجه گرفت که آیا این مجموعه ها از شیخ بهایی هست یا خیر؛ و با بررسی و تطبیق مواردی که در کتاب کَشکول به کتاب المخلاة ارجاع و حواله داده است، می تواند بهترین دلیل باشد که این مجموعه های خطی کتابخانه ملی از آن شیخ بهایی است یا خیر.

درباره این نسخه های کتابخانه ملی، مطالب ضد و نقیضی نقل شده است که به دو گفتار از آن اشاره می کنیم:

الف) جناب استاد عبدالحسین حائری - زید عوّه - که عمری مسئول کتاب های خطی و مفرس نسخه های خطی مجلس شورا است و متخصص و اهل خبره این فن است و از نقل و انتقال این نسخه های خطی از اهواز به تهران آگاه می باشد، پس از نقل جریان کتابت این دو، سه نسخه خطی مخلاة و... و در نهایت در معرض فروش گذاشتن نسخه های خطی آن کتابخانه و به تبع آن بررسی این نسخه ها، به این نتیجه می رسند که: از آن جایی که این دو، سه جلد کتاب به تمامی درباره طلسمات و مجموعه ادعیه هایی در این موضوع است، باید نسخه های خطی کتاب المخلاة شیخ بهایی باشد.

ب) جناب حجت الاسلام والمسلمین و ائقی (زید عوّه) در جایی می نویسد: «در سفر حج ۱۴۲۰ ق از حجت الإسلام والمسلمین دکتر

ارتباط با المخلاة - می نویسد: «المخلاة، لبهاء الدین عاملی، وهو العلامة الأديب بهاء الدين محمد بن حسين بن عبد الصمد الحارثي العاملی الهمدانی المولود سنة ۹۵۳ق، (سنة ۱۵۴۷ م) والمتوفى سنة ۱۰۳۱ق (سنة ۱۶۲۲ م). أولها: الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين،... إلخ، ضمّنها كثيرا من لطائف المنثور والمنظوم، في المواعظ والحكم ومكارم الأخلاق وغير ذلك».

سپس در فهرست المكتبة الأزهرية، نسخه ای خطی از المخلاة را با این خصوصیات معرفی می کند: «نسخه ضمن مجموعه فی مجلد بقلم معتاد، (من ورقة ۲۸۹-۱) و مسطرتها ۲۱ سطر ۲۴، سم [۲۳۷] أباطة ۶۸۴۲».

در ذیل معرفی نسخه خطی، بیش از پنجاه نسخه چاپی مخلاة که چاپ های ۱۳۱۷ق المطبعة الأدبية بالقاهرة و یا المطبعة الميمنية است، گزارش شده که به سبب تکرار، از نوشتن شماره های آن خودداری می شود.

پس با مراجعه به فهرس نسخ خطی مصر، خصوصاً مكتبة الأزهرية مصر تنها یک نسخه خطی که مشخصات آن با کتاب أسرار البلاغة یکی است، در آن کتابخانه الأزهرية موجود بوده و همان نسخه در سال ۱۳۱۷ق برای اولین بار در دو مطبعة الأدبية والميمنية چاپ رحلی سنگی شده، در سال ۱۳۷۷ق چاپ حرفی وزیري شده است.

گفتنی است خصوصیات المخلاة چاپ ۱۳۷۷ق در فهرست المكتبة الأزهرية (ج ۵، ص ۲۴۷) ثبت نشده است؛ چون چاپ و اطلاعات فهرست المكتبة الأزهرية برای هشت سال قبل از ۱۳۷۷ق است.

همچنین در فهرست المكتبة الأزهرية (ج ۵، ص ۱۲) در معرفی أسرار البلاغة آمده است: «أسرار البلاغة، لبهاء الدین عاملی... أولها: فصل يشتمل على النشر ومعانيه إلخ. رتبها على فصول تشتمل على كثير من الأجوبة المسكتة وملح النوادر وروقات الشعر. نسخة ضمن مجموعة في مجلد بقلم معتاد (من ورقة ۳۱۸-۲۹۰) و مسطرتها ۲۱ سطر ۲۴، سم [۲۳۷] أباطة ۶۸۴۲».

سپس همان اطلاعات نسخه چاپ شده المخلاة - که نزدیک به پنجاه نسخه چاپی بود - برای أسرار البلاغة گزارش شده است که ما در این جا به سبب پرهیز از تکرار، از بیان مشخصات آن خودداری می کنیم.

بنابراین، نسخه خطی المخلاة از برگ ۱ - ۲۸۹ و نسخه خطی أسرار البلاغة از برگ ۲۹۰ - ۳۱۸ آن مجموعه است.

در یک جمله به این نتیجه می رسیم که اصل نسخه خطی مخلاة چاپ شده در مصر، همراه با نسخه خطی أسرار البلاغة در یک مجموعه خطی بوده که ناشر در سال های ۱۳۱۷ و ۱۳۷۷ق آن را به زیور طبع آراسته است. به دلایلی نیز هر دو کتاب را به شیخ بهایی نسبت داده، به چاپ

علامه سید محمد مهدی خراسان نیز با استناد به نوشته علامه تهرانی تمام مطالب الذریعة را نقل کرده است.^{۲۸}

عبدالعزیز جواهر الکلام نیز در دائرة المعارف الشیعیة به منسوب و مجعول بودن مخلاة چاپ شده تصریح می‌کند: «المخلاة مانند کشکول، و این مخلات غیر از مخلاتی است که چاپ شده، میرزا حسین نوری - محدث - نسخه‌ای از آن یافته».^{۲۹}

سید محسن امین نیز بدون اظهار نظری نوشته است: «المخلاة جمع فیها فوائد و طرائف من کل فن بدون ترتیب، مطبوعة بمصر».^{۳۰}

صاحب ریحانة الأدب نیز می‌نویسد: «المخلاة، آن نیز مانند کشکول بوده و در مصر چاپ شده است».^{۳۱}

همچنین مرحوم سعید نفیسی، مخلاة چاپی را از شیخ بهایی دانسته است: «المخلاة که آن نیز مجموعه‌ای مانند کشکول است، و در مصر در سال ۱۳۱۷ ق دوبار چاپ شده و آن نیز از مؤلفات معروف اوست».^{۳۲}

مصحح ریاض الجنة مثل دیگران مسلم پنداشته است که این مخلاة چاپ شده، از شیخ بهایی است؛ لذا در پاورقی نوشته است: «المخلاة که شبیه کتاب کشکول است و بارها چاپ شده و گویا آخرین چاپ آن در بیروت و در ۱۹۸۵ م انجام گرفته است».^{۳۳}

پس نتیجه می‌گیریم بیشترین پژوهشگران بدون تحقیق و بررسی، کتاب المخلاة چاپ شده را به شیخ بهایی نسبت داده‌اند؛ چه اینکه بعضی از محققان اهل فن نیز انتساب مخلاة چاپ شده را به شیخ بهایی نفی کرده‌اند. بنابراین با بررسی متن و محتوای کتاب المخلاة چاپ شده، می‌توان جعلی بودن انتساب این کتاب به شیخ بهایی را اثبات کرد. این کار از چند راه ممکن است:

اول: در کتاب کشکول، شیخ بهایی در دو مورد به المخلاة ارجاع داده است که - مثلاً - تفصیل این داستان و اشعار را در کتاب المخلاة آورده - ام؛ و حال آنکه این داستان و اشعار در کتاب المخلاة چاپ شده نیست: الف) «ومن کلام بعض حکماء، ارقص لقرن السوء فی زمانه، ولهذا الکلام قصّة مشهورة أوردتها فی المخلاة».^{۳۴}

ب) بعد از آنکه اشعاری از ابن نباته و القیراطی و ابن الخراط و دیگران را نقل می‌کند، می‌نویسد: «لما كانت هذه القصائد فی المخلاة اقتصرت علی هذا القدر فی الکشکول»؛ حال آنکه با پژوهش وسیعی

سید محمد باقر حجتی (زید عزه) شنیدم که آن نسخه‌ای از کتاب المخلاة - که در الذریعة آدرس به آن داده است - گمانم سازمان مدارک فرهنگی یا کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یا جای دیگر آن را خریداری کرده است، و من آن را که سه جلد است، بررسی کردم. همه اش طلسمات بود، و معلوم شد که مخلاة شیخ بهایی - که در اول کشکول، می‌گوید در علم ادب است - نیست».

یعنی جناب سید محمد باقر حجتی آن سه جلد مخلاة را در سازمان مدارک فرهنگی دیده است و با بررسی آن نسخه‌های خطی، برایش مشخص شده که این نسخه‌ها، مخلاة شیخ بهایی نیستند.

پس دو نظریه متضاد درباره این مجموعه‌های خطی مخلاة که فعلاً در کتابخانه ملی تهران نگهداری می‌شود، وجود دارد که با بررسی و جستجو در این مجموعه‌های خطی، می‌توان اظهار نظر قطعی کرد.

حقیر عکس این دو نسخه خطی را از کتابخانه ملی تقاضا کرده‌ام و ان شاء الله در آینده نزدیک، گزارشی مفصل از محتوای این نسخه‌های خطی در یکی از مجلات علمی و معتبر، ارائه خواهد شد.

مؤلف المخلاة چاپ مصر کیست؟

همان طور که گفته شد، کتاب المخلاة برای اولین بار در سال ۱۳۱۷ ق در المطبعة المیمنیة چاپ سنگی شد^{۲۶} و چاپ‌های دوم و سوم و چهارم آن گزارش، به تفصیل گذشت. نیز نسخه خطی این چاپ‌ها بر اساس یک مجموعه خطی که شامل المخلاة و أسرار البلاغة است، در المكتبة الأزهریة نگهداری می‌شود و در فهرست المكتبة الأزهریة (ج ۵، ص ۲۴۷) به تفصیل گزارش این نسخه خطی و نسخه‌های چاپ ۱۳۱۷ ق آن نوشته شده است.

نتیجه بررسی و دقت اینکه کتاب المخلاة از تألیفات شیخ بهایی نیست؛ اگرچه از سال چاپ این کتاب، یعنی ۱۳۱۷ ق تا کنون در اکثر کتب شرح حال نگاری و کتاب‌شناسی‌ها، این کتاب المخلاة را به شیخ بهایی نسبت می‌دهند.

در ادامه شماری از نقل قول‌ها درباره مؤلف مخلاة چاپ شده را می‌آوریم:

برای اولین بار شیخ آقا بزرگ تهرانی - که در این باره خبره و اهل فن هستند - با این انتساب مخالفت کرده‌اند: «المخلاة للشیخ البهائی... وهو غیر هذا الموسوم بالمخلاة و المطبوع بمصر فی ۱۳۱۷ و المنسوب إلى الشیخ البهائی جزماً».^{۲۷}

۲۶. به گزارش فهرس المكتبة الأزهریة (ج ۵، ص ۲۴۷) در سال ۱۳۱۷ ق در دو مطبعة، یعنی المطبعة الأدبیة بالقاهرة در ۲۹۳ صفحه و در المطبعة المیمنیة بالقاهرة در ۲۲۸ صفحه به چاپ رسیده است.

۲۷. آقا بزرگ تهرانی؛ الذریعة؛ ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۲۸. مقدمات کتب تراثیة؛ ج ۲، ص ۳۸۴.

۲۹. دائرة المعارف الشیعیة الإمامیة؛ ج ۱، ص ۳۴۰.

۳۰. سید محسن امین؛ أعیان الشیعیة؛ ج ۲، ص ۲۴۵.

۳۱. ریحانة الأدب؛ ج ۳، ص ۳۱۱.

۳۲. احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی؛ ص ۱۰۸.

۳۳. ریاض الجنة؛ ج ۲، پاورقی ص ۱۶۰.

۳۴. کشکول؛ ج ۲، ص ۷۳۴.



این منابع است: «الأخلاق الناصرية، الأربيعين، الإرشاد، أعلام الدين، أمالي الصدوق، التبيان، التجريد، التحف، تهذيب الأحكام، خلاصة الحساب، دانش نامه علانی، دیوان المنسوب إلى أمير المؤمنين عليه السلام و شرح آن، الذريعة، السرائر، سوانح سفر الحجاز، شرح اشارات، عيون اخبار الرضا عليه السلام، کتاب من لا يحضره الفقيه، قرب الاسناد، کافی، كشف الغمة، كشف اليقين، كشكول، مجمع البيان، مروج الذهب، المزار، مشارق الأنوار، المصباح للكفعمي، مطلع الأنوار، معالم، المعتب، مكارم الأخلاق، إحياء العلوم غزالي، استيعاب، الأغاني، أدب الكاتب، أنوار التنزيل، تاريخ الحكماء، تاريخ ذهبی، تفسير فخر رازی، تفسير نیشابوری، التلويحات، تهافت الفلاسفة، جامع الأصول، ربيع الأبرار، السبحة، شرح القانون، شرح فصوص الحكم، الشفا، القاموس، صفوة الصفوة، الفتوحات، قوت القلوب، الكامل في التاريخ، الكشاف، الكشف، المثل السائرة، المثنوی، المحاضرات، المطول، مغنی اللبيب، المفردات، الملل والنحل، النهاية في غريب الحديث ووفيات الأعيان»؛^{۳۸} ودها کتاب دیگر،

۳۸. در کتاب المخلاة کمتر از چهل عنوان کتاب ذکر شده است، اما در کشکول نزدیک به چهارصد عنوان از مآخذ کشکول و یا به مناسبت نام برده شده است؛ و حال آنکه نسبت مآخذ مخلاة با کشکول ده درصد است... و نسبت شبهات های مآخذ مخلاة با کشکول به پنج درصد هم نمی رسد؛ و حال آنکه هر کتابی از هر مؤلفی با توجه به اتحاد موضوع بودن آن کتاب، تشابه های بیشتر از پنج درصد را می طلبد چه رسد به اینکه منابع این دو کتاب کمتر از پنج درصد باهم تشابه دارند!

که در کتاب المخلاة شد، هیچ اثری از این قصاید در مخلاة چاپ شده نیست؛ ثانیاً به هیچ وجه قصایدی که با حرف روی «ت»^{۳۵} در المخلاة چاپ شده باشد، دیده نمی شود؛ چه از شعرای مورد اشاره و چه از شعرای دیگر.

دوم: شیخ بهایی در مقدمه کشکول می نویسد: «... فإتئی لَمَّا فرغت من تألیف کتابی المسمی بالمخلاة الذی حوی من کل شیء أحسنه وأحلاه وهر کتاب کتب فی عنفوان الشباب، قد لَقَّته و نَسَقته و أنفقت فیہ ما رزقته، وضمنته ما تشتهی الأنفس و تلذذ الأعین من جواهر التفسیر و زواهر التأویل و عیون الأخبار و... ثم عثرت بعد ذلك على نوادر تتحرك لها الطباع وتهش لها الأسماع وطرائف تسر المحزون... ولققت كتابا ثانيا يحذو حذو ذلك الكتاب الفاخرو يستبين به صدق المثل السائر (كم ترك الأول للآخر)... وسميته بالكشكول ليطابق اسمه اسم أخيه...»^{۳۶}.

از مقدمه، معلوم می شود: محتوای کتاب المخلاة مثل کشکول است؛ حتی اسمی که برای کشکول انتخاب کرده است، با مخلاة مترادف است؛ لذا می گوید: «سميته بالكشكول ليطابق اسمه اسم أخيه»؛ یا این تفاوت که اضافه می کند: «لم أذكر شيئاً مما ذكرته فيه»؛ لذا در ذیلش می گوید: در کشکول ورق های سفیدی قرار می دهیم: «وتركت بعض صفحاته على بياضها لأقيد ما يسنح من الشوارد في رياضها كيلا يكون به عن سعة ذلك نكول».

با بررسی متن مخلاة چاپ مصر با متن کشکول، تفاوت این دو کتاب به دست می آید:

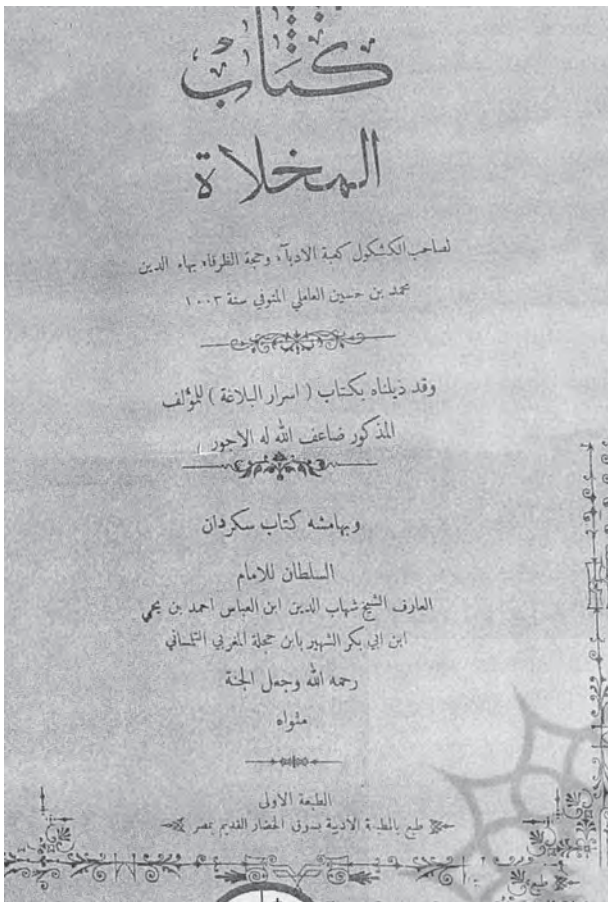
الف) منابع کتاب المخلاة - همه - از مصادر اهل سنت است و حتی یک منبع از مآخذ اهل تشیع در آن دیده نمی شود که عبارتند از: «آداب المریدین، الأذکار للنووی، أسرار التنزیل، الأغانی، بحر الفوائد، البداية والنهاية، البستان الجامع لتاريخ الزمان، تفسير ابن الليث السمرفندي، تنبيه الغافلين، در الأسوار، راحة الأسماء، ربيع الأبرار، رونق المجالس، سنن أبي داود الترمذی، شافی الصدور، شرح ناظر العین، شرعة الإسلام، الشفاء لعیاض القاضی، الصادح والباغم، صحیح مسلم، طبقات الأمم، عجائب المخلوقات، فتاوی النسفی، فتاوی المسعودی، قوت القلوب، الكشاف، كفاية الشعبي، لامية العجم، اللمة النورانية، مختصر أسد الغابة، مروج الذهب، المشكاة، معالم التنزیل للبعغوی، مفردات ابن بطلال، منهاج العابدین، المنهاج، الموجز، الموطأ، النهاية لابن الأثير، اليتيمية»^{۳۷}.

حال آنکه منابع کتاب کشکول، غالباً از مآخذ اهل تشیع است و منابعی که از اهل سنت نقل شده است، بیشتر از مصادر عمومی

۳۵. گفتنی است شیخ بهایی در اینجا قصایدی با حروف روی «ت» (حروف قافیه) از این شعرای نقل کرده است؛ یعنی قصیده هایی که حرف آخر قافیه شان «ت» است.

۳۶. کشکول: ج ۱، ص ۵۳ - ۵۴.

۳۷. ر ۳: به: المخلاة؛ به کوشش محمد خلیل الباشا؛ چاپ عالم الكتاب، ص ۷۰۱ - ۷۰۲.



همچنین در این کتاب جعل و نقل احادیث جعلی برای سران عرفا و صوفیه را نیز می‌توان سراغ گرفت: «در اخبار صحیح چنین آورده‌اند که هر که سوره تبارک الذي بيده الملك را یازده بار بخواند، تا یازده روز به نام یازده احمد حق سبحانه... بروی بگشاید و غنی گرداند... و هر روز ثواب یازده تبارک را به روح یک احمد بنهد... بزرگان بسیار تجربه کرده‌اند، والله اعلم، أحمد مرسل عليه السلام، أحمد جنید، أحمد کبیر، أحمد جام، أحمد ارقم، أحمد سیوی، أحمد رونده، أحمد اصفهانی، أحمد جرجانی، أحمد حسین نساچ، أحمد... رحمة الله عليهم أجمعين».^{۴۱}

ه) اشعار فراوانی در المخللة است که چند بیت آن در مدح اهل بیت است، اما اشعاری نیز علیه شیعه در آن دیده می‌شود که هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود مؤلف المخللة امامی باشد، چه رسد که بگوید مؤلف المخللة شیخ بهایی است!

کلام صوفی:

نحن أناس قد غدا طبعنا
حب علي بن أبي طالب

نظیر کتاب‌هایی که نقل شد.^{۳۹}

در کتاب المخللة، صفحه ۵۲۱ از کتاب نهج البلاغة اشعاری نقل شده است. در برداشت نخست تصویری شود این کتاب از منابع شیعی است، حال آنکه این نهج البلاغة از سید رضی نیست:

«للو زير مؤيد الدين ابن العلقمي في نهج البلاغة:

كلام إذا ما الدرّ قويس قيمة
وُحسنا به يوما فقد وُصف الدرّ
وإن حير الأذهان تيها فإتني
أترهه عن أن أقول له سحر
وإن أسكر الأبواب لطفًا فإته
على ما أرى لولا طهارته خمّر

ب) ساختار کتاب و نقل قول از خلفا و ائمه اهل سنت و عالمان سنی مذهب، خود دلیل بر این است که مؤلف آن باید غیر از شیخ بهایی باشد: «قال على كرم الله وجهه، قال عمر رضی الله عنه، أنس بن مالك رضی الله عنه، سئل الشعبي، بقي أبو يوسف على باب الرشيد، للإمام الشافعي رضی الله عنه».

ج) جعل احادیث. اگر بپذیریم شیخ بهایی با هر مذهب، طبق همان مذهب رفتار می‌کرده - که به سبب تقیه شیخ بهایی، علمای دیگر مذاهب از مذهب شیخ بهایی اطلاع نداشتند - نمی‌توانیم بپذیریم به سبب رعایت وحدت مسلمین، حدیثی مجعول نقل کند تا آن اتحاد به وجود بیاید: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أبو بكر وعمر وعثمان آل الله، وعلى والحسن والحسين و فطمة ألي، وسيجمع الله عز وجل يوم القيامة آله وألي في روضة من رياض الجنة».^{۴۰}

د) مؤلف المخللة چاپ مصر، یکی از عرفا و صوفیه قرن نهم هجری است که سرتاسر مخللة چاپ مصر، مؤلف عبارت‌های صوفیه را با تمجید نقل می‌کند: «قال الجنيد رحمة الله عليه» (ص ۲۲۳)، «قال سفیان الثوري رحمة الله» (ص ۲۲۹)، «قال الشبلي قدس الله سره» (ص ۲۷۴)، «وله أيضا طاب ثراه» (ص ۲۷۷)، «قال بشر الحافي رحمة الله عليه» (ص ۳۴۱)، «قال إبراهيم بن أدهم رحمة الله عليه» (ص ۳۵۴) و...»

دها نام دیگر، مثل ابن الرومی، ابن عطا، سعید بن المسیب، الشعبي، الشبلی، سهل بن عبدالله، صلاح الدین، عامر الشعبي، الفضیل، معروف الکرخی، یحیی بن معین، یحیی بن خالد البرمکی و... را نیز می‌توان به این اسامی افزود.

۳۹. رک به: کتکول؛ ج ۴، ص ۴۰۶ - ۴۱۴.

۴۰. المخللة؛ ص ۳۱۴ (چاپ ۱۳۷۷ ق).

۴۱. المخللة؛ ص ۳۸۱-۳۸۲ (چاپ عالم الکتب، ۱۴۰۵ ق).

ترش را با جوالدوز سوراخ کند و در کاسه ای بنهد و بالای او روغن گل بریزد و...»^{۴۶}.

گفتنی است در کتاب توبه که ترجمه المخلاة است، این چهار سطر فارسی نیامده و حذف شده است؛ حال آنکه در ترجمه کتابی از عربی به فارسی، می باید حداقل فارسی ها آن کتاب حذف نشود. دلیل حذف این چهار سطر نیز همان تشخیص ندادن این چهار سطر فارسی است؛ چون کلمات فارسی به صورت افراطی پشت سرهم حروفچینی شده اند و تبعاً عبارت های گنگ و نامفهومی به ثبت رسیده است.

توبه ترجمه المخلاة

مخلاة منسوب به شیخ بهایی، با نام توبه ترجمه و منتشر شده است. کتاب توبه را آقای بهمن رازانی ترجمه کرده است و نشر زرین تهران آن را در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۶۴ ش چاپ کرده است.

آقای بهمن رازانی یک سال قبل از چاپ توبه، کتاب دیگر شیخ بهایی، یعنی کشکول را ترجمه کرده است که از نوروز ۱۳۶۳ تا نوروز ۱۳۶۴ چهار بار تجدید چاپ شده است.^{۴۷}

شایسته بود کسی که ترجمه کشکول را به عهده گرفته است و سپس ترجمه المخلاة را هم در دستور کار خود قرار داده است، یک مقایسه - ای محتوایی، متن شناسی، سبک شناسی و منبع شناسی - ولو در حد ابتدایی - انجام دهد و در مقدمه بازگو نماید، تا کمی تکلیف مؤلف المخلاة (توبه) مشخص شود؛ حال آنکه بدون کمترین تحقیق، به شکل مسلم کتاب المخلاة چاپ شده را از شیخ بهایی دانسته، به سبب آنکه ترجمه کشکول او در طول یک سال چهار بار تجدید چاپ شده است، به ترجمه کتاب دیگر شیخ بهایی پرداخته است.

در ادامه به بیان مطالبی می پردازیم که مترجم درباره مخلاة و کشکول در پیشگفتار توبه آورده و مورد مناقشه است:

«پس از ترجمه کتاب کشکول چند ماهی... در چنین کشاکشی استقبالی که از کتاب کشکول تألیف شیخ بهایی به همین قلم در کار آمد - چنان که از نوروز ۱۳۶۲ تا نوروز بعد، چهار بار تجدید چاپ کردند - ذهن ناشر محترم^{۴۸} را به کتاب المخلاة هم او معطوف کرد، و من نیز به دلایلی که به هنگام خود و جای دیگر خواهیم گفت، با وی همدستان شدم و حاصل این همدستانی من و ناشر، کتاب حاضر است که اکنون در دست دارید.»^{۴۹}

۴۶. همان.

۴۷. بهمن رازانی؛ توبه؛ پیشگفتار مترجم، ص ۳.

۴۸. گفتنی است آقای بهمن رازانی کشکول شیخ بهایی را در سال ۱۳۶۲ (چاپ اول) به کمک نشر چکامه تهران، با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه ترجمه و منتشر ساخته است. در پشت جلد، آم انتشارات ارسطو آمده است. در مقدمه توبه مترجم مدعی است ناشر توبه، یعنی زرین تهران، کتاب ترجمه کشکول را چاپ کرده و هموز مترجم خواسته است المخلاة را نیز ترجمه کند.

۴۹. توبه؛ مقدمه، ص ۳. همان طور که ملاحظه کردید، بنای ترجمه مخلاة، تجدید چاپ

يعيبنا الناس على حبه
فلعنة الله على العائب

الجواب:

ما عيبكم هذا ولكنه
بغض الذي لُقّب بالصاحب
وكذبكم عنه وعن بنته
فلعنة الله على الكاذب^{۴۲}

و چندین سطر به زبان فارسی و چند سطر شعر فارسی در کتاب المخلاة، هیچ گاه نمی تواند دلیلی بر انتساب المخلاة چاپ شده به شیخ بهایی باشد، در کتاب المخلاة (چاپ ۱۳۷۷ق) در صفحات ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۱۲ چندین سطر فارسی و چند بیت فارسی وجود دارد. بعضی ها به خیال اینکه کشکول فارسی و عربی است و المخلاة چاپ شده هم فارسی و عربی است، پس المخلاة از آن شیخ بهایی است و حال آنکه:

اولاً اشعار فارسی و نثرهای فراوانی در کشکول است که با فارسی های المخلاة قابل مقایسه نیست.

ثانیاً مجموع تمام کلمات و عبارات فارسی المخلاة (اعم از نثر و نظم) به یک صفحه هم نمی رسد، اما کشکول شیخ بهایی فارسی های فراوانی دارد. دلیل اختلاف چاپ های کشکول مصرولبنان با چاپ های ایران نیز این است که در چاپ های مصرولبنان، فارسی های کشکول را از کتاب حذف کرده اند، اما در چاپ ایران موجود است.

در صفحات ۱۷۱ و ۱۷۲ آمده است: «هذه الأوراد منقولة من كتاب الأذكار للنووي... انگشت دست راست و دست چپ...»^{۴۳}.

در المخلاة صفحات ۱۸۲ و ۱۸۳ نیز آمده است: «من كتاب در الأسرار... بعد از قراءت آیات، دست بر سر نهاد و بگوید... یازده بار بخواند تا یازده روزه نام یازده احمد، حق سبحانه و تعالی در توانگری... و غنی گردد.»^{۴۴}

در المخلاة صفحه های ۱۹۹ و ۲۰۰ هم می خوانیم: «من بحر الفوائد: ...»^{۴۵} سپس نه بیت شعری آورد که دو بیت آن فارسی و هفت بیت دیگر آن عربی است.

در المخلاة، صفحه ۲۱۲، چهار سطر فارسی نقل شده است که چون حروف چین های مصرولبنان به عبارت های فارسی آشنا نبوده اند، کلمات را پیوسته حروف چینی کرده اند و چهار سطر بی معنا و نامفهوم درست شده است، اما با کمی دقت فهمیده می شود: «اگر کسی انار

۴۲. همان، ص ۴۵۵.

۴۳. المخلاة؛ چاپ ۱۳۷۷ق.

۴۴. همان.

۴۵. همان.

اوروغن گل بریزد...»^{۵۳} که در توبره، ص ۳۳۳ می‌بایست ترجمه آن دعای سفر و این عبارت فارسی آورده می‌شد که نیامده است.^{۵۴}

مخلاة سید علی خان مدنی شیرازی

سید صدرالدین علی خان مدنی شیرازی کتاب کَشکول گونه‌ای هم به نام مخلاة دارد. در الذریعة این کتاب چنین معرفی شده است:

المخلاة فی المحاضرات، نظیر الکَشکول البهائیه، للسید صدرالدین علی خان بن نظام الدین أحمد المدنی الشیرازی الدشتکی الحسینی، المتوفی ۱۱۲۰، وهو غیر کتابه الموسوم بالتذکرة فی الفوائد النادرة، كما استظهر ذلك صاحب الروضات بعد ذکره له کتاب المخلاة فی الروضات: ۴۱۳. أقول: لعل المخلاة بعینه هو الذی سَمی بالکَشکول وعبر عنه بهذا الاسم... وبالجملة الموسوم بالتذکرة غیر المخلاة له جزءاً.^{۵۵}

شیخ آقابزرگ تهرانی، قائل است سید علی خان مدنی کتابی به نام مخلاة داشته که غیر از تذکرة ایشان است؛ اما مرحوم قزوینی در یادداشت‌های خود (ج ۷، ص ۶۴ - ۶۶) مطالبی در این خصوص دارد که به فایده مقاله می‌افزاید:

مخلاة، مخلاة معروف که به تصریح خود شیخ بهایی در ابتدا و مقدمه کَشکول (هم چاپ مصر و هم چاپ طهران) از شیخ بهایی است، و صرح به‌اینکه صاحب روضات، ص ۶۳۳ و صاحب السلافة، ص ۲۹۱ و خلاصة الأثر، ج ۳، ص ۴۴۱.

ولکن این روزها در جایی خواندم که مخلاة نام کتابی تألیف یکی دیگر از علما نیز بوده است و یادم رفت که جایی یادداشت کنم و بعدها هر چه مجدداً در کتب مراجعه کردم، پیدا نکردم که بوده است آن کس. اگر اتفاقاً وقتی پیدا شد، این جا الحاق شود، ان شاء الله. تمام سلافة را مستعجلاً گشتم؛ در آن جا از این قبیل چیزی نیافتم.

الحمد لله فوراً در همان شب معلوم شد که بوده است که این حرف را زده بوده است: صاحب روضات الجنات است که در صفحه ۴۱۳ در ترجمه حال سید علی خان، صاحب انوار الربیع و سلافة و غیرهما در ضمن تعداد مصنفات او گوید: «و کتاب التذکرة فی الفوائد النادرة، والظاهر أنه غیر کتابه الذی رسمه بالمخلاة ورسمه علی شاکلة کَشکول شیخنا البهائی علیه الرحمة».

من گمان می‌کنم که صاحب روضات اشتباه کرده است و مخلاة که از تألیفات معروفه شیخ بهایی است، او سهواً خیال کرده بوده است که از تألیفات سید علی خان است؛ زیرا که احدی از مورخین

بله شیخ بهایی اوصاف مخلاة را در مقدمه کَشکول به تفصیل می‌آورد، اما سخن این است که آیا این المخلاة چاپ شده، همان مخلاة شیخ بهایی است، یا آنکه تألیف این کتاب به سال ۸۵۳ قمری می‌رسد که صد سال قبل از تولد شیخ بهایی است؟! اولاً قرائن فراوانی برای این احتمال وجود دارد که نسخه خطی کتاب مخلاة با اسرار البلاغة در یک مجموعه خطی است و سال ۸۵۳ ق در چند مورد در رساله أسرار البلاغة به ثبت رسیده است.^{۵۶}

ثانیاً حضرت آیت الله سید محمد علی روضاتی اصفهانی (مد ظلّه العالی) می‌فرمایند: ناشر و مشوق کتاب هایی که به نام شیخ بهایی است و در مصر به طبع رسیده، شخصی به نام شیخ فرج الله زکی کردی است که دست پرورده ابوالفضل گلپایگانی - از مبلغان بهائیان مزدور انگلیسی - است. ایشان بر این عقیده قرائن فراوانی دارد؛ مثل این که ناشر کتاب پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش، همان شیخ فرج الله زکی کردی است.^{۵۷}

همچنین درباره رساله وحدت وجود منسوب به شیخ بهایی ضمن «مجموعه الرسائل» که بیش از سی رساله کلامی و فلسفی در آن به طبع رسیده، یک رساله به نام «وحدة الوجود» است که آن را از شیخ بهایی دانسته‌اند، و ناشر این مجموعه الرسائل؛ همان فرج الله زکی کردی است که به سال ۱۳۲۸ ق در مطبعة كردستان العلمية به طبع رسیده است.^{۵۸}

همچنین مترجم در پیشگفتار (ص ۵) می‌نویسد: «... و نیز پاره‌ای از مطالبی را که در کَشکول ذکر کرده است، در توبره نیز آورده است. این مطالب نیز اصولاً و نه همگی حذف شده است؛ حال آنکه مطالب المخلاة چاپ شده، کمترین شباهتی با کَشکول دارد. در همین مقاله به اثبات رسید که منابع کتاب‌های مخلاة با کَشکول متفاوت و بعضاً متضاد است. چگونه ایشان مطالب تکراری را حذف کرده است؟! بله مواردی را حذف کرده است، و آن مواردی است که ترجمه آن مشکل بوده است و یا نمی‌توانسته ترجمه کند؛ زیرا چندین سطر فارسی در چند جای کتاب مخلاة است که به عربی حروفچینی شده و تمام کلمات فارسی به هم پیوسته است؛ بنابراین عبارات بی معنی شده‌اند. این موارد حذف شده‌اند؛ مثل دعایی که در سفر خوانده می‌شود که بعد از آن چهار سطر فارسی با این مضمون آمده است: «اگر کسی انار ترش را با جوالدوز سوراخ کند و در کاسه‌ای بنهد و بالای

ترجمه‌های کَشکول و مخلاة است که از این راه به نوبی برسد؛ اما اشکال به مترجم وارد است که چرا بدون تحقیق، کتابی به شیخ بهایی نسبت می‌دهد و آن را ترجمه می‌کند و جامعه فرهنگی را به اشتباه می‌اندازد! (برای نمونه رک به: توبره؛ ترجمه بهمن رازانی؛ ص ۴، مقدمه).
۵۰. مقاله‌ای مفصل نیز درباره اینکه اسرار البلاغة از شیخ بهایی نیست، در دست تألیف دارم.
۵۱. به تفصیل در مقاله‌ای جداگانه به آن خواهم پرداخت.
۵۲. به تفصیل در مقاله‌ای جداگانه به آن خواهم پرداخت.

۵۳. المخلاة؛ ص ۲۱۲، چاپ ۱۳۷۷ ق.

۵۴. ناگفته نماند که در چاپ‌های متعدد المخلاة، این عبارت‌های فارسی در هم تداخل شده و جملات بسمعناپی درست شده است.

۵۵. آقابزرگ تهرانی؛ الذریعة؛ ج ۲۰، ص ۲۳۲.

آن نکرده‌اند (یعنی نسبت تألیف کتابی مخلاصه نام به سیدعلی خان به دست آورده است؟ علی‌هذا تا از خارج دلیل خلاف آن ظاهر نشده است، من احتمال اشتباه مؤلف روضات الجنات را در نسبت مخلاصه به سیدعلی خان (یعنی التباس در نسبت دادن مخلاصه بهایی به سیدعلی خان، یا اصلاً اشتباه مستقل او بدون التباس کتاب بهایی به سیدعلی خان - در نسبت کتاب یا چنین نامی به سیدعلی خان) از دست نمی‌دهم، والله أعلم بحقائق الأمور. راجع أيضاً ما کتبتناه بهامش روضات الجنات صفحه ۴۱۲ - ۴۱۳.

در یادداشت‌های قزوینی نیز چندین اشتباه رخ داده است: اولاً منافات ندارد که هم شیخ بهایی و هم سیدعلی خان مدنی هر دو کتابی به نام المخلاصه داشته باشند.

ثانیاً کتاب مخلاصه چاپ شده در مصر را از شیخ بهایی دانسته است که مسلم شد از شیخ بهایی نیست.

ثالثاً صاحب روضات و شیخ آقا بزرگ تهرانی و دیگران متوجه کتاب التذکره و اینکه کتابی دیگر به نام مخلاصه دارد، بوده‌اند. تنها ممکن است گفته شود کتاب المخلاصه سیدعلی خان مدنی همان التذکره ایشان است که صاحب روضات و شیخ آقا بزرگ تهرانی به صراحت آن را نفی کرده‌اند؛ پس نمی‌توان کتاب المخلاصه را برای سیدعلی خان مدنی نفی کرد.

صاحب ریحانه الأدب (ج ۲، ص ۹۳) نیز مخلاصه را غیر از التذکره و حدیقه العلم می‌داند: «المخلاصه که به طرز کشکول شیخ بهایی است».

همچنین در معجم المؤلفات الشيعية في الجزيرة العربية (ج ۱، ص ۷۰۴) می‌نویسد: «المخلاصه فی المحاضرات، علی نحو مخلاصه الشیخ البهائی، للسید علی خان المدنی ۱۰۵۲ - ۱۱۲۰ ق؛ الذریعة، ج ۲۰، ص ۲۳۲؛ مقدّمه ریاض السالکین، ص ۱۸ ورحله ابن معصوم، ص ۷».

نسخه‌ای خطی از این مخلاصه یا تذکره یا کشکول سیدعلی خان در کتابخانه دانشکده الهیات تهران به شماره ۱۲۹/ج نسخ شده ۱۱، در ۳۰۴ برگ موجود است که خط مؤلف به تاریخ ۱۰۷۴ ق موجود است؛ و سلافة العصر را ایشان به سال ۱۰۸۲ ساخته است. در این کتاب خطی، تاریخ‌های ۱۰۰۶، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶ ق در شیراز و ۱۰۶۴، ۱۰۶۹، ۱۰۷۴ و ۱۱۲۵ ق دیده می‌شود.^{۵۶}

به سبب اهمیت کتاب مخلاصه سیدعلی خان مدنی و اینکه مانند کشکول شیخ بهایی بوده و بسیاری از مطالب کتاب سیدعلی خان مدنی، از آثار شیخ بهایی است و بعضاً از خط شیخ بهایی مطلب نقد

و اصحاب کتب رجال از قبیل نجوم السماء، ص ۱۷۶ - ۱۸۱ و سبحة المرجان، ص ۸۵ - ۸۷ و در آخر انوار الربیع که ترجمه‌ی حال مبسوطی از او مستخرج از کتب عدیده درج است، و از همه بالاتر در فارس نامه ناصری، صص ۲۹ - ۸۵ - ۸۷ تألیف یکی از احفاد خود سیدعلی خان مذکور اعنی حاجی میرزا حسن طبیب فسائی با آن که بدیهی است که اهل البیت ادری بما فی البیت اصلاً و ابداً کتابی به این اسم (یعنی مخلاصه) نسبت به سیدعلی خان نداده‌اند.

و از آن طرف عموم اصحاب رجال از قبیل خود همین روضات الجنات، ص ۶۳۳ و خود سیدعلی خان در سلافة، ص ۲۹۱ و خلاصة الأثر محبتی، ج ۳، ص ۴۴۱ و خود شیخ بهایی در مقدمه کشکول در همان سطر اول (هم در طبع مصر و هم در طبع طهران) که گوید: «وبعد فإني لَمَّا فرغت من کتابی المسمی بالمخلاصه الذی حوی من کل شیء أحسنه وأحلاه وهو کتاب کذا وكذا... إلخ» که به قدر نصف صفحه، به شرح آن کتاب و کتاب کشکول پردازد [تصریح صریح واضح نموده‌اند، به اینکه مخلاصه از تألیفات شیخ بهایی بوده است؛ یعنی او کتابی داشته است مخلاصه نام - که در مصر طبع شده است و من مکرر خوانده‌ام ولی بالفعل در پیش من حاضر نیست؛ چه خودم نسخه‌ای از آن مالک نیستم - پس از کجا مؤلف روضات الجنات این اطلاع را که احدی از مورخین تا آن جا که ما اطلاع داریم ابداً ذکری از



۵۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات تهران: صص ۶۴۱ و ۶۴۴.

۲۵. نظم للبهائی؛
۲۶. من زهر الربیع وهو مختصر ربیع الأبرار لأبی عبد الله محمد بن أبی - بکر الرازی؛
۲۷. مابال أرسطو (المسائل الطبيعية)؛
۲۸. من بیجاپور فی شهر رمضان لسنة ۱۰۴۸ عن حضرة النوب؛
۲۹. صورة ما كتبه ميرزا إبراهيم الهمدانی إلى مولانا الشيخ (البهائی)؛
۳۰. من كتاب الشيخ العبد العزيز الزمزمی مفتی الحرم الشريف المتوفی ست وسبعین وتسعمائة؛
۳۱. فی شرح المأصلح علی أصول الكافی؛
۳۲. خطبة أشأها محمد بن علی الشامی فی تزویج سلیلة النوب میرزا نظام الدین أحمد دام مجده؛
۳۳. كتاب من مولانا علی الطبری وجوابه فی بندرسخا سنة ۱۰۴۲؛
۳۴. كتاب من الشيخ حنیف الدین الذی كان فی قرية السلامة فی الحجاز فی سنة ۱۰۴۳ وكتب إلى وأجبتة؛
۳۵. كتاب إلى مولانا میر محمد باقر الداماد الحسینی من الشيخ البهائی؛
۳۶. كتاب الملاحن فی سابع ذی حجة ۱۰۴۰ الذی وصل إلى الجامع فی بندرسخا؛
۳۷. كتاب إلى مولانا السيد حسین أبقاه الله؛
۳۸. كتاب إلى الحكیم محمد حسین سلمه الله؛
۳۹. من خط الشيخ بهاء الدین؛
۴۰. من أوائل الكشكول؛
۴۱. كتب فی التذكرة، وزیدت فقرات لیست فی هذه الأبیات للمعزی وما بعدها إنشاء كاتبه عفی عنه؛
۴۲. لکاتبه علی صدر الدین المدنی الحسینی غفر الله له سنة ۱۰۷۴ كتب ذلك یوم الأربعاء سادس ربیع الثانی من شهر سنة ۱۰۷۴ ونظم قبل ذلك بیوم، وله عفی عنه؛
۴۳. من رحلة السيد محمد کبریت؛
۴۴. وقد استفدت ذلك من بعض الأصحاب فی النجف فی شهر رجب سنة ۱۰۴۵؛
۴۵. لمولانا الشيخ حسن بن الشيخ زین الدین قدس الله سرهما؛
۴۶. به جهت نواب مغل خان که در او دگیر تشریف دارند، عبای یمبوعی از هر کجا که باشد تفحص کرده، به دست آورده، به خدمت ایشان خواهم فرستاد ان شاء الله تعالی و عقیق گرد یمنی جهت کندن اسم شریف ایشان شاه قباد وکیل سزاوار خان خواجهکی محمد شریف وکیل مغل خان؛

- کرده و کتاب های متعددی نیز از شیخ بهایی مطالب نقل می کنند، مناسب است فهرست مخلاصه سید علی خان مدنی برای تکمیل مطالب مقاله آورده شود:
- «... پاره ای از عنوان های این کتاب چنین است:
۱. صورة عقيدة صدرت من نصیر الدین أجاب بها إخوانه؛
 ۲. من إفادات السيد السند؛
 ۳. من فوائد الأمير نظام الدین أحمد قدس الله سره؛
 ۴. فوائد مهمة تتعلق بعلم الرؤيا نقلتها من خط بعض الأفاضل؛
 ۵. من خط الدواني؛
 ۶. من إفادات سيد الحكماء المتألهين مولانا میرزا نظام الدین أحمد وقد نقلته من خط من نقل من خطه الکریم؛
 ۷. خلق الأعمال للدواني؛
 ۸. ذکر من ایزد شناخت لعین القضاة؛
 ۹. من أثولوجيا لأرسطو؛
 ۱۰. من أبی الحسین بن یوسف العامری؛
 ۱۱. مما سنح فی الیوم الجمعة ۲۳ شوال سنة ۱۰۰۹ فی المدرسة المنصورية (نکته: لعله لمیرزا نظام الدین أحمد)؛
 ۱۲. مما سنح فی یوم الثلاثاء ۶ رجب سنة عشروألف (لعله له)؛
 ۱۳. فی یوم الأربعاء ۲ رجب ۱۰۱۴ فی قرية سوید فسا؛
 ۱۴. فی یوم الأحد ۲۱ شعبان ۱۰۰۶ (نکات فلسفیه لعله له)؛
 ۱۵. من الشجرة الإلهية للشهروزی؛
 ۱۶. التهليلية للدواني؛
 ۱۷. وجدت فی شیراز سنة ۱۰۴۶ انتخبه مولانا ملامحسن من كشف المحجة لثمره المهجة لابن طاووس؛
 ۱۸. هذه خطبة أشأها العبد الضعیف جعفر بن کمال الدین البحرانی عند تزویج السيد علی بن میرزا نظام الدین آدم الله أيامهما؛
 ۱۹. مما وجد بخط الشيخ أبی العباس أحمد المقوقی العمري الحنفي أعاده علينا من برکته كتب فی ذی القعدة سنة سبع وعشرين وألف، ومن خطه رقم سنة ۱۰۴۶؛
 ۲۰. ذکر البهائی فی الحديقة الهلالية؛
 ۲۱. صورة ما وجد بخط الدواني نقل من خط مجد الدین الفالی، فصل حزره مصتف الاختیارات الإمام الکبیر شرف الدین المسعودی؛
 ۲۲. من إفادات مولانا کمال پاشا زاده؛
 ۲۳. رسالة فی آداب المطالعة فی مقدمة ومقصد ووصية لصدر الدین محمد الحسینی؛
 ۲۴. من شرح الأربعین للبهائی؛

۴. نسخه‌ای از کشکول سیدعلی خان مدنی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک به شماره ۵۱۶ (ج ۱، ص ۴۴۲) چنین معرفی شده است: «الکشکول، گویا از سیدعلی خان شیرازی مدنی باشد (الهیات، ص ۶۴۱ و الذریعة، ج ۱۸، ص ۷۵). آغاز بسمله، هذه صورة ما كتبه الشيخ سعيد بن محمد الخفاجي على رحلة الشتاء والصيف مقرّضا حمدا لمن أطلع بحر الفصاحة في جرثومة فريش (در این بند، نام سید محمد بن عبدالله کبریة موسوی در ۱۰۴۰ نوشته شده است). سپس عنوان‌های زیر است: وجد به خط الشيخ عبدالصمد بن محمد العمودي (در چند فصل) و يتلوها تأكيد الرحلة العراقية (عنوان‌های دیگر بدین گونه است: اشعار شهاب الدین أحمد رومی، ابن المعتز و دیگران، با توضیحات و حکایات و تواریخ و شعرهای معاصران مؤلف و خود او). انجام افتاده شعر:

رسالة طالب في الكون أضحى
يرى مطلوبه في كل مصر
أراني من حرمان ما كنت أرتجى
وأخر عمري ملحقاً بالأوائل.

۴۷. قال محرّرهذه الأحرف وكتب هذه الأبيات صالح بن جارالله بتاريخ ۱۰ جمادى الأولى سنة ۱۱۲۵؛

۴۸. چند بندی به عربی با عنوان «سانحه» دارد و در یکی می‌گوید: «گفتم اگر پدرم مرا به ایران نمی‌آورد و با پادشاهان آمیزش نمی‌کردم، از پرهیزترین مردم روزگار می‌بودم».

۴۹. من کتاب ریاض الأرواح (قصاید شیخ بهایی که در سلافة هم آمده است رک به: الذریعة، ج ۱۱، ص ۳۱۸)، وهو من نظم جامعه تغمده الله بغفرانه ولجامعه رحمه الله من سوانح سفر الحجاز؛

۵۰. لکاتبه الفقير إلى ربّه الغنى على بن أحمد نظام الدين الحسيني بتاريخ ثانی جمادى الأولى من شهور سنة ۱۰۶۹ كتبه إلى الأديب الشيخ عبدالله الثقفي سلمه الله تعالى؛

۵۱. من إفاذات مولانا العلامة الأوحده مولانا الشيخ أحمد بن منصور الفارسی سلمه الله؛

آغاز افتاده: مورد المثل المشهور كبر عمرو عن الطوق من القاموس... عمرو عن الطوق يضرب للديس ما هودون قدره وهو عمر بن عدی.

انجام افتاده:

قد منعتم صرف الدنانير عتي
ولكم في الوري هبات كثيرة
وأنا شاعرٌ وفي شرح شعري
صرفها جايزٌ لأجل الضرورة».^{۵۷}

۲. در فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران (ج ۱، ص ۳۶۵ - ۳۶۸) همین نسخه کتابخانه ملی ملک معرفی شده است؛ یعنی در دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۵۸۶ از الهیات تهران شماره ۵۲۶/د، تمام مطالب فهرست الهیات تهران تکرار شده است.

۳. نسخه‌ای دیگر از کتاب التذكرة در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان، صفحه ۷۴ به این نحو معرفی شده است: «ش ۹۶ التذكرة في الفوائد النادرة (متفرقه، عربی) از سید صدرالدین علی بن أحمد مدنی شیرازی ۱۱۲۰ ق. آغاز: الحمد لله الذي علم بالقلم، علم الإنسان ما لم يعلم. أحمده سبحانه على ما أنعم به من أوفى الحظوظ والقسم. انجام افتاده: فَإِنَّ الْحَجَّجَ وَطَأَ لَكُمْ الْمَنَابِرَ وَأَذَلَّ لَكُمْ الْجَبَابِرَةَ، وهو يجيئ يوم القيامة عن يمين أبيك وشمال أخيك، فحيث ما كانا كان...».

نسخ سده سیزدهم، شامل ۳۰۲ برگ، در دو برگ آغازین تملک علی نقی قزوینی به سال ۱۲۷۹ و تملکی بدون نام در کربلا به سال ۱۲۶۲ و در برگ ۱۶۴ تاریخ کتابت ۱۵ ذی قعدة ۱۲۶۱ ق در صحن کربلا معلی دیده می‌شود.

۵۷. فهرست کتابخانه دانشکده الهیات تهران: ص ۶۴۴ - ۶۴۱.